

حزب انقلابی و نقش آن در مبارزه برای سوسیالیزم

نوشته زیر بخشی از مقاله ای است به قلم جیمز پی. کانن
کانن یکی از رهبران جنبش جهانی تروتسکیستی و از پایه گذاران حزب کارگران
سوسیالیست در آمریکا بود. او در سال ۱۹۷۴ در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

مفهوم لنین از حزب پیشتاز، به عنوان سازماندهنده و هدایت کننده ی انقلاب
پرولتاریایی، بزرگ ترین تبدیری بود که از زمان مرگ انگلس در سال ۱۸۹۵
تاکنون به زرادخانه ی مارکسیزم عرضه شده است. این نظریه ی سازمانی
مشهور، برخلاف ادعای برخی، نه محصول شرایط آن زمان روسیه بود و نه
محدود به آن شرایط. ریشه ی عمیق این نظریه در دو تا از سنگین ترین
واقعیات های قرن بیستم نهفته است: یکی، واقعیات مبارزه ی کارگران برای
تسخیر قدرت. و دیگری ضرورت ایجاد یک رهبری که قادر باشد این وظیفه را
تا آخر به انجام برساند.

لنین با تشخیص این امر که جنگ های امپریالیستی، انقلاب پرولتاریایی و
قیام های مستعمرات خصایل عصر ما هستند، در اوایل این قرن عملاً دست به
کار تشکیل حزبی شد که قادر باشد مسیر این وقایع طوفانی و ناگهانی را در
جهت منافع سوسیالیزم برگرداند. پیروزی بلشویک ها در طغیان های سال
۱۹۱۷ و پایداری اتحاد شوروی که آن ها مستقر کردند. گواهی است بر

دوراندیشی لنین و ارزش شیوه های سازمانی او. حزب لنین نمونه‌ی اصیل و بی‌همتایی است که از آنچه که یک رهبری دموکراتیک و متمرکز کارگری می‌تواند باشد، و آنچه که قادر است انجام دهد، حزبی که نسبت به اصول مارکسیستی و کاربرد جسورانه این اصول صادق است.

از آنجا که دستاوردهای دوران‌ساز بلشویک‌ها محدود به یک کشور بود، بحث پیرامون ماهیت رهبری انقلابی به طور قطع فیصله نیافت. این بحث از آن زمان تاکنون همچنان ادامه داشته است. پس از گذشت پنجاه سال، هنوز کم نیستند شکاکانی در صفوف سوسیالیست‌ها که نسبت به ضرورت و مطلوب بودن حزبی از نوعی لنینیستی یا مرددند و یا به کلی آن را نفی می‌کنند. حتی در محافل که نظریه‌ی لنین را به روشنی درک کرده و بدان اعتقاد یافته‌اند، مسأله‌ی ایجاد حزب پیش‌تاز به همان فوریت و ضرورت همیشگی باقی است. چرا که این مسأله هنوز باید در حین مبارزات روزمره علیه نظام پیشین حل و فصل گردد.

داشتن یک ارزیابی صحیح از حزب پیش‌تاز و نقش ضروری آن بستگی دارد به درک اهمیت قاطع عوامل ذهنی در انقلاب پرولتاریایی. در یک مقیاس وسیع تاریخی، و در تحلیل نهایی، شرایط اقتصادی هستند که در شکل دادن به تحول و تکامل جامعه نقش تعیین‌کننده دارند. ولی این حقیقت ماتریالیسم تاریخی به معنی نفی این واقعیت نیست که پروسه های سیاسی و روانی جاری در بطن توده های کارگر، بر مسیر، آهنگ حرکت و عاقبت انقلاب ملی و بین‌المللی اثری مستقیم تر و فوری تر می‌گذارند. زمانی که پیش شرط‌های عینی مادی جهت فعالیت انقلابی کارگران به نقطه‌ی معینی از رشد خود رسید، اراده و آگاهی کارگران- که از طریق دخالت حزب متشکل پیش‌تاز تجلی

می یابد- می تواند به صورت یکی از عوامل مهم در تعیین نتیجه‌ی مبارزه طبقاتی درآید.

نظریه‌ی لنینیستی حزب پیشتاز بر مبنای دو عامل استوار گردیده: ناهمگونی طبقه‌ی کارگر از یکسو، و خصلت بسیار آگاهانه نهضت سوسیالیستی از سوی دیگر. جریان انقلابی شدن پرولتاریا و مردمان ستمدیده به طور کلی امری است پیچیده، طولانی و متناقض. در جامعه‌ی طبقاتی و تحت نظام سرمایه داری، زحمتکشان به طرق گوناگون طبقه بندی و تقسیم شده اند، تحت شرایط بسیار متفاوتی زندگی می کنند و در مراحل بسیار سختی از تکامل اقتصادی و سیاسی قرار دارند. در نتیجه، رسیدن آنان به درکی روشن و جامع از موقعیت واقعی خویش در اجتماع و مسیر سیاسی ای که باید طی کنند تا خود را از شر مصیبت ها خلاص کرده و دست به نظامی بهتر بیابند، چیزی است که به طور همزمان، دسته جمعی و یکنواخت صورت نمی‌گیرد، و نمی‌تواند هم صورت بگیرد. و بدتر اینکه، زحمتکشان نمی‌توانند به سرعت و به آسانی یاد بگیرند که چگونه باید به مؤثرترین شکل برای حمایت از منافع طبقاتی خود و پیشبرد آن منافع عمل کنند.

ناموزونی در امر استقلال یابی کل طبقه‌ی کارگر، دلیل اصلی برای وجود یک حزب پیشتاز است. این حزب باید متشکل از عناصری از طبقه و سخنگویان آن باشد که نیاز به عمل انقلابی را درک می‌کنند و زودتر از توده‌ی پرولتاریا، هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین‌المللی، دست به انجام آن می‌زنند. و نیز دلیل اینکه چرا پیشتاز طبقه همیشه به صورت اقلیتی از خود طبقه و به صورت یک "گروه انشعابی" شروع به کار می‌کند در همین جاست. تشکیلات اولیه‌ی کارگران پیشرو و متعهد به سوسیالیزم و هم پیمانان

روشنفکری که عقاید آنان را تبلیغ می کنند، ابتدا باید خود را پیرامون محوری از دستگاه عقاید معین علمی، سنن طبقاتی و تجربه متشکل سازند و یک برنامه‌ی سیاسی صحیح تهیه کنند تا پس از آن بتوانند گردان‌های بزرگ نیروهای انقلابی را متشکل و رهبری نمایند.

هدف حزب پیشتاز باید در همه حال دسترسی به وسیع‌ترین تعداد توده‌ها، حرکت دادن آنان و جلب کردنیان به سوی حزب باشد. ولی تاکنون هیچ حزبی، منجمله خود بلشویک‌ها، هرگز با بهره‌گیری از حمایت اکثریت طبقه و به عنوان رهبر شناخته شده‌ی آن آغاز به کار نکرده است. چنین حزبی اصولاً به صورت گروه مبلغی که هدفش تشریح و اشاعه عقاید است دست به کار می‌شود. کار این گروه عبارت است از تربیت کردن، تعلیم دادن و آبدیده ساختن کادرها پیرامون برنامه و چشم‌اندازی که کادرها آن را جهت ملاحظه، عملی ساختن و اثبات در عمل به توده‌ها عرضه می‌کنند.

وسعت و نفوذ سازمان مسأله‌ای نیست که انقلابیون جدی نسبت بدان بی تفاوت باشند. معهداً، شاخص‌های کمی به تنهایی نمی‌توانند معیارهای تعیین‌کننده و قاطع برای قضاوت در باره‌ی ماهیت واقعی یک گروه انقلابی تلقی گردند. معیارهای اساسی‌تر سازمان، جوانب کیفی آن هستند مانند برنامه و رابطه با طبقه‌ای که این برنامه معرف منافع آن است و برای آن می‌جنگد.

تروتسکی در مقاله‌ی قدم بعدی چیست؟ می‌نویسد "منافع طبقه‌ی کارگر را نمی‌شود جز در قالب برنامه فورموله کرد. و از برنامه هم نمی‌توان دفاع کرد، جز از طریق ایجاب حزب. طبقه‌ی کارگر، به خودی خود، فقط ماده خامی است برای استثمار. پرولتاریا تنها در لحظه‌ای نقش مستقل پیدا می‌کند که از

یک طبقه ی اجتماعی در خویشتن تبدیل به یک طبقه ی سیاسی برای خویشتن شود. و این امر جز از طریق حزب عملی نخواهد شد. حزب آن وسیله ی تاریخی است که از طریق آن طبقه ی کارگر به آگاهی طبقاتی دست می یابد." مارکسیزم به ما می آموزد که تحقق یافتن انقلاب علیه سرمایه داری و تجدید بنای سوسیالیستی دنیای کهن تنها از طریق عمل آگاهانه و جمعی طبقه ی کارگر امکانپذیر است. حزب پیشتاز عالی ترین تجلی و ابزار بی همتای آگاهی طبقاتی در تمام مراحل سیر جهانی است. در دوران پیشا انقلابی، پیشتاز طبقه، اقدام به جمع آوری و به هم جوشانیدن کادرهایی می کند که پیشاپیش ارتش اصلی در حرکتند، لکن در سراسر این مسیر حرکت در پی حفظ روابط صحیح خود با ارتش اصلی هستند.

پیشتاز طبقه به تعدادش افزوده می شود. نفوذ خود را گسترش می دهد و در مسیر مبارزه ی توده ای برای کسب برتری، مبارزه ای که او خواهان به ثمر رسانیدن موفقیت آمیز آن است، در صف مقدم ظاهر می گردد. پس از سرنگون کردن قدرت حاکم پیشین، پیشتاز طبقه، مردم را در کار ساختن جامعه جدید و دفاع از این جامعه رهبری می کند.

سازمان سیاسی ای که قادر به انجام چنین وظایف غول آسانی باشد، ممکن نیست به طور خود به خود و یا سرسری به وجود آید. چنین سازمانی باید به طور مداوم، پیگیر و آگاهانه ساخته شود. داشتن برخوردی سهل انگارانه نسبت به امر ساختن حزب یا مسائل مربوط به آن نه تنها کار احمقانه ای است بلکه مصیبت بار نیز هست. تجربیات تلخی که از فرصت های انقلابی بسیار در طول نیم قرن گذشته حاصل شده، فرصت هایی که بر اثر رهبری های بی کفایت یا خیانت کار از دست رفتند و یا با رهبری بد به نابودی کشیده

شدند، بدون چون و چرا نشان می دهد که سهل انگاری در این امر حیاتی مسلماً به کجروی و شکست می انجامد.

بهترین نمودار قابلیت عالی لنین به عنوان یک رهبر انقلابی، اصراری بود که او در داشتن برخوردی کاملاً آگاهانه نسبت به کلیه جوانب حزب سازی- از مسائل عظیم نظری و سیاسی گرفته تا توجه وسواسی به جزئی ترین کارهای روزمره به کار می برد. انواع دیگر احزاب خود را به داشتن آهنگ حرکتی باطمینینه و افتان و خیزان راضی می کنند. این ها فقط هنگامی که مسائل پیش می آیند به فکر چاره ی آن ها می افتند، آن هم چاره ای تجربی و موقت. ولی لنین نه تنها در قلمرو اقتصادی که اداره آن بعدها به عهده ی حزب گذاشته شد، بلکه در امر ساختن خود حزب و فعالیت های انقلابی آن در راه کسب قدرت نیز سیستم و برنامه ای ارائه داد. او در انجام کارها تا سرحد امکان به شانس و بدیهه سازی متوسل نمی شد. لنین با شروع از یک ارزیابی فورموله شده از مرحله ای که مبارزه از آن می گذشت، وظایف اصلی را مشخص می کرد و برای حل آن ها بهترین طرق و وسایلی را جستجو می کرد که مطابق با هدف های درازمدت سوسیالیسم جهانی باشد.

حزب پیشتاز که با روش سوسیالیسم علمی هدایت می شود و یکسره متعهد به ایجاد رفاه توده های زحمتکش و قربانیان خفقان است، همیشه باید خود را در موضع مخالفت اصولی با پاسداران و نهادهای جامعه ی طبقاتی قرار دهد. این ها خصایصی است که از حزب در برابر گندزدگی و فساد محافظت می کند و در مقابل فشار و نفوذ طبقات بیگانه پوششی زرهی برای حزب به وجود می آورد. لکن پیش از هر چیز، حزب لنینیستی باید حزبی رزمنده باشد که هدفش متشکل کردن توده ها جهت حرکت مؤثر برای کسب قدرت است.

این هدف اساسی است که خصلت حزب و الویت وظایف آن را تعیین می کند. حزب نمی تواند محفلی برای گفتگوهای بی هدف و بحث های بی انتها باشد. هدف از مشورت ها، بحث ها و مجادلات داخلی حزب، رسیدن به تصمیم برای عمل و کار سیستماتیک است. در عین حال حزب نه درمانگاهی است برای پرستاری یا معالجه روان های مریض، و نه نمونه ای است از آنچه که جامعه ی سوسیالیستی آینده خواهد بود. حزب تشکیلی است مرکب از رزمندگان انقلابی، آماده، مصمم، و قادر به مقابله با دشمن مردم و شکست دادن این دشمن، و کمک به توده ها در هموار ساختن راهشان به سوی دنیای نو.

بسیاری از طرفداران "چپ نو" که روحیه ای آنارشویستی یا آگزیستانسیالیستی دارند، رهبری حرفه ای در یک نهضت انقلابی را، یا به دیده ی تحقیر می نگرند و یا به کلی آن را رد می کنند. این طرز فکر در میان بعضی از کارگران مایوس و سرخورده رادیکال های سابق نیز دیده می شود. اینان تعهد آگاهانه به یک رهبری تمام وقت را با سلطه جویی و امتیازات بوروکراتیک یکی می شمرند. اینان از فهم روابط متقابل میان توده ها، طبقه ی انقلابی، حزب، و رهبری حزب عاجزند. به همانگونه که رهبری انقلابی ملت را به پیش می راند، حزب پیشتاز نیز عهده دار رهبری طبقه ی انقلابی است. لکن نقش رهبری در اینجا خاتمه نمی یابد. خود حزب هم نیاز به رهبری دارد. غیرممکن است که یک حزب انقلابی بتواند بدون داشتن رهبران شایسته، رهبری صحیحی عرضه کند. این رهبری در درون حزب دارای همان نقشی است که حزب آن را برای طبقه ی کارگر ایفا می کند.

این کادرهای حزب هستند که هم در دوران رکود و هم دوران رشد و گسترش حزب ستون فقرات آن را تشکیل می دهند. ضامن موجودیت و حیات

حزب عبارت است از قابلیت آن در بسط و افزایش کادرهای خود و تأمین و انتقال رهبری از نسلی به نسل دیگر.

حزب پیشتان را نمی توان در یک اظهاریه‌ی فرقه گرایانه اعلام کرد و یا یک شبه آن را ساخت. در بوته‌ی آزمایش نهضت توده ای و در ضمن جدال ها و کشمکش های شدید داخلی پیرامون سیاست های مهم حزبی در هر چرخش مبارزه‌ی طبقاتی است که رهبری و اعضای حزب دستچین و غربال می شوند. رد شدن از کنار مرحله‌ی اول و یا بدتر از آن جهیدن از روی این مرحله امکانپذیر نیست. منظور از مرحله‌ی اول، مرحله ای است که در آن کادرهای اصلی حزب در رابطه با وظیفه‌ی بزرگ تر متقاعد ساختن و به عضویت در آوردن بخش های وسیعی از توده ها، و همچنین تدارک دیدن برای این وظیفه، خود را سازمان و تجدید سازمان می دهند.

نقش قاطعی که حزبی از این نوع می تواند در ساختن تاریخ ایفا کند. به طرزی زنده، توسط کادرهای بلشویک در جنگ جهانی اول و در نخستین انقلاب پرولتاریایی نشان داده شد. پس از مرگ لنین، دستگاه استبدادی بوروکراسی شوروی که تحت حکومت استالین شکل گرفت، این کادرها را یا به سوی انحطاط سوق داد، یا آن را از بین برد، و یا اینکه افراد دیگری را جانشین آنان کرد. شکست های وحشتناک نیروهای سوسیالیستی در سایر کشورها، از آلمان ۱۹۱۸ تا اسپانیا در سال های ۳۹-۱۹۳۶، شکست هایی که به علت فرصت طلبی، نقصان و یا خطاهای رهبری های کارگری به وقوع پیوست، اهمیت وجود چنین کادرهایی را به گونه ای منفی نشان داد.

برخلاف برخی دیگر از شاگردان مکتب برجسته ی تروتسکی، من معتقد به این هستم که با ارزش ترین خدمت تروتسکی به نهضت انقلابی جهانی در

طول مبارزات او علیه استالینیزم و سانتریزم، دفاعی بود که او از اصول لنینیستی حزبی به عمل آورد و این اصول را غنی تر ساخت. عملی که عالی ترین جنبه ی آن تصمیم به ایجاد احزاب جدید بین الملل چهارم بود. از سال ۱۹۰۳ تا سال ۱۹۱۷، تروتسکی در تنوری و در عمل، با شیوهی لنین در ساختن حزب لنین مخالف می کرد. و اینکه او در سال ۱۹۱۷، با مشاهده ی اثبات مفاهیم لنین از طریق تکامل انقلاب هم در روسیه و هم در خارج، مفاهیم لنین را پذیرفت، صرفاً به خاطر عینی گرای و قابلیت رشد نمونه او بود.

تروتسکی از آن پس تا پایان عمرش هرگز در اعتقاد خود به این شیوهی حزب سازی تزلزلی راه نداد. پس از تصحیح اشتباه خود در این زمینه و به دنبال مرگ لنین در سال ۱۹۲۴، تروتسکی به صورت بهترین مفسر و تکامل دهنده ی سنن بلشویکی حزب پیشتاز در عرصه ی سیاست ملی و بین المللی در آمد. وی نظر خود را درباره ی اهمیت خطیر حزب پیشتاز، در برنامه ی انتقالی که برای کنگره ی بنیادی بین الملل چهارم در سال ۱۹۳۸ تدوین کرده بود، خلاصه کرد. او اظهار داشت که "بحران تاریخی بشریت به بحران رهبری انقلابی تقلیل یافته است". وظیفه ی استراتژیک اصلی برای کل عصر حاضر عبارت است از "غلبه بر تضاد موجود بین رسیدگی شرایط عینی انقلابی و عدم بلوغ پرولتاریا و پیشتاز آن (آشفته گی و نومیدی نسل قبلی، بی تجربگی نسل جوان تر). او خاطرنشان ساخت که حزب پیشتاز تنها سازمانی است که از طریق آن می توان این مسأله ی حاد سیاسی مربوط به مرحله ی امپریالیستی سرمایه داری جهانی را حل کرد. و به طور مشخص تر. او قاطعانه اظهار داشت که: "... بحران رهبری پرولتاریا، که بدل به بحران

فرهنگ بشریت شده، راه حل نهایی خود را فقط توسط بین الملل چهارم خواهد جست". یعنی از طریق حزب جهانی انقلاب سوسیالیستی.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳